

شناسنامه به مثابه سند هویتی ایرانیان (۱۲۹۷ ه.ش - ۱۳۹۲ ه.ش)

* حسن زندیه

E-mail: zandiyehh@yahoo.com

** امیر محمدی

E-mail: Mohammadiamir1980@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۵

چکیده

امروزه اسناد هویتی به عنوان دسته‌ای از مواد آرشیوی و مدارک هویت‌بخش جمعی هر کشوری به شمار می‌آیند؛ شناسنامه (سجل) نخستین و مهم‌ترین سند هویتی ایرانیان در ابتدای سده بیستم محسوب می‌شود و اولین سندی است که حامل بار هویتی جمعی و فراگیر ایرانی بود. قاموسی که وقایع تلخ و شیرین همچون روز ولادت، زمان ازدواج، نام فرزندان، طلاق یا مرگ همسر و روز وداع صاحبش در آن ثبت و ضبط می‌گردد. اصولاً در تقسیم‌بندی اسناد تاریخی، شناسنامه را زیر مجموعه اسناد دیوانیات و در گروه اسناد دیوانی - هویتی دوره معاصر قرار می‌دهند.

این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که ساختار و محتوای اسناد هویتی (سجل / شناسنامه) در ایران چگونه شکل گرفته و تداوم و تحول یافته و کارکردهای هویتی این سند مهم چیست و از چه عواملی تأثیر پذیرفته‌اند؟ پژوهش حاضر قصد دارد ابتدا به امر انتساب و هویت ساکنان ایران قبل از ایجاد دولت مدرن بپردازد و سپس شناسنامه / سجل را از منظر کارکردهای هویتی و علم‌شناسی در طول یک قرن گذشته مورد مطالعه قرار دهد. یافته‌ها و نتایج: نتیجه این تحقیق گویای آن است که ساختار و محتوای شناسنامه‌ها در طی یک‌سده اخیر تابع گفتمان حاکم متأثر از نظام دیوان‌سالار دولتی، بروکراسی پویا و فضای فرهنگی حاکم می‌باشند.

کلید واژه‌ها: هویت، اسناد هویتی، شناسنامه، سندشناسی، ایران.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

** دانشجوی دکتری تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه و طرح مسئله

امروزه اسناد هویتی دسته‌ای از مواد آرشیوی و مدارک هویت‌بخش جمعی هر کشوری محسوب می‌شوند که از جمله منابع دست اول، غیر قابل انکار و قابل اتکاء در پژوهش‌های علمی محل رجوع هستند؛ وضعیت حقوقی افراد به لحاظ اصالت مالکیت و هویت در ایران (مخصوصاً دوره اسلامی) تا قبل از تشکیل دولت مدرن و لوازم آن، بیشتر تابع القاب و عناوین مختلف با اشکال ثبت شده (تمغا، مهر، ...) بود؛ و ثبت این مقولات اصولاً تابع نظم و قانون مشخصی نبود و هیچ‌گونه حالت فراگیر، یا رسمیتی خاص نداشت؛ تحولات جهانی اواخر سده نوزدهم و ابتدای سده بیستم همگام با ظهور مشروطیت و فترت بعد از ناکامی آمال مشروطه؛ روند نوسازی دولت به منظور تسهیل در امور مختلف از جمله تحکیم یکپارچه‌سازی، هویت ملی، آگاهی از تعداد نفوس شهرها و قراء کشور، وضعیت اشتغال مردم، امر مالیات و سربازگیری و علل دیگر در ۱۴ خرداد ۱۳۰۴ بود که مجلس شورای ملی دوره پنجم، قانونی در چهار فصل و سی و پنج ماده به تصویب رسانید که «قانون سبج احوال» نام گرفت و مقرر می‌داشت حداکثر تا یک سال آتی آحاد مردم ایران لزوماً باید دارای ورقه هویت و یا همان شناسنامه شوند؛ ماده چهارم این قانون مردم کشور را مؤلف می‌ساخت برای هر فرد شناسنامه‌ای مجزا صادر کرده و سند آن را در دفاتر رسمی ثبت و ضبط کنند (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانون‌گذاری، ۱۳۵۰: ۲۲۳). در ورقه هویت محل‌هایی برای ثبت تولد، فوت، ازدواج و طلاق پیش‌بینی شده بود و طبق این قانون کلبه مأموران دولتی و حکومتی را در اقصی نقاط کشور ملزم می‌کرد که از آن پس فقط در قبال ارائه ورقه هویت (شناسنامه) پاسخگوی ارباب رجوع باشند (همان: ۲۲۵).

هویت ایرانی در دوره رضاشاه خود به خود پدیدار نشد و یا به قول عده‌ای سر از خواب چندین هزار ساله بر نداشت بلکه دقیقاً بر پایه مقتضیات قدرت و به مثابه جزئی از گفتار مدرن قدرت ساخته شد؛ البته دولت مطلقه به منظور تأسیس هویت ایرانی متجدد، همگام با وحدت‌بخشی از برخی عناصر موجود در هویت فرهنگی ایرانیان نیز بهره جست، ولی با تعریف جدیدی از آنها، این عناصر را در ساختمان هویت جدید ایرانی به مثابه مصالحی برای بنای تازه به کار گرفت؛ هم‌چنین، دولت مطلقه مدرن پهلوی اول، توانست پروژه هویت‌سازی را سامان دهد (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۹۶).

این فرایند می‌رفت تا در روند اصلاحات اداری و بوروکراتیک نوین با ابزارهای حقوقی به تشکیل پایگاه‌ها و سازمان‌های متولی امور تخصصی منجر گردد. از جمله

این ساخت‌های مدرن اداره سجل احوال بود، سازوکاری حقوقی که در این نوشتار سعی شده است با دیدی تاریخی و سندشناختی به آن و فرآورده نهایی اش (شناسنامه/سجل) پرداخته شود. شناسنامه (سجل) نخستین و مهم‌ترین سند هویتی ایرانیان در ابتدای سده بیستم محسوب می‌شود، این سند، در تقسیم‌بندی اسناد، زیرمجموعه اسناد دیوانیات و در گروه اسناد دیوانی دوره معاصر قرار می‌گیرد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۱۴۰).

روند تاریخی تداوم و تحول سند هویتی سجل یا شناسنامه در ایران مسئله‌ای ناگشوده است که پژوهش حاضر سعی دارد به آن پاسخ دهد و علاوه بر تحلیل و روند شکل‌گیری، کارکردهای هویتی، محتوا و ساختارش را از جنبه‌های مختلف علم سندشناسی از ابتدای صدور آن (۱۲۹۷ هـ.ش) تا کنون را مورد مطالعه قرار دهد.

سؤال تحقیق

پیدایش، تحول سندشناختی و کارکردهای اسناد هویتی ایرانیان (سجل/ شناسنامه) در یک قرن اخیر چگونه صورت پذیرفته است؟

روش پژوهش

در این مقاله، اساس جمع‌آوری اطلاعات بر «مطالعه اسنادی» استوار می‌باشد و لذا با بررسی اسناد «سجل احوال» موجود در کتابخانه مجلس و مرکز اسناد کتابخانه ملی ایران از روش توصیفی - تحلیلی استفاده گردیده است و با رویکرد تاریخی به سندشناسی و بررسی ساختار و محتوای شناسنامه و کارکرد هویتی آن در طی یک سده اخیر می‌پردازد.

فرضیات پژوهش

- ۱- مسأله سازماندهی و ثبت هویت ساکنان به صورت فراگیر و ملی، قبل از تشکیل دولت مدرن در ایران، محلی از اعراب نداشته و کاملاً نامنظم و بی‌سامان بود.
- ۲- تغییرات قدرت، فضای سیاسی و حاکمیت یکصد سال اخیر در ایران ارتباط مستقیمی با سازماندهی و تطور کلی اسناد هویتی داشته است.
- ۳- شناسنامه (سجل) دارای کارکردهای هویتی متعددی بوده که در طول عمر یکصد ساله‌اش از عوامل گوناگونی تأثیر پذیرفته است.
- ۴- شناسنامه (سجل) به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین سند هویتی ایرانیان و بخشی از مواد آرشیوی قابل استناد و بررسی است.

هویت، نام‌ها و انتساب قبل از تشکیل دولت مدرن در ایران

به طور کلی عناوین صور خطاب در ایران بعد از اسلام عبارت است: ۱- القاب
۲- عناوین

تاریخ عناوین و القاب رسمی قبل از تشکیل دولت مدرن در ایران نیز همچون یک نهاد اجتماعی به سه دوره متمایز تقسیم می‌شود:
دوره اول - پیدایش و رشد: ازدوران آل بویه تا دوره سلجوقی.
دوره دوم - رکود نسبی: از دوره ایلخانان تا عهد صفویه.
دوره سوم - تجدید حیات، گسترش فوق‌العاده، و افول در دوره قاجاریان
(Yarshater, 1985: 75).

مهم‌ترین صور انتساب و عناوین عمومی از قرن چهارم به بعد که بعضی از آنها تا دوران معاصر هم استعمال گردیده‌اند:

۱- **پیش‌نام:** پیش‌نام‌ها عموماً برای احترام یا نشان دادن جنسیت، شغل و منصب، موقعیت اجتماعی، نسب، انجام یک سفر زیارتی و مشرب فکری آورده می‌شد، مانند: اخی، امام، حاجی، حافظ، خواجه، خطیب، دهخدا، زاهد، شیخ، علامه، فقیه، قاضی، مفتی، مقری، مولانا، مهتر و در دوره‌های بعدی تا امروز آخوند، آقا، ارباب، استاد، بانو، بی‌بی، حاجی آقا، سید، میرزا، ملا، کربلایی... .

۲- **نام‌ها:** آنچه از بدو تولد برکسی نهاده می‌شد و ممکن بود فارسی، عربی و... باشد.

۳- **کنیه:** کنیه نیز ترکیبی است از «ابو» و «ام» که غالباً از دوره قبل از اسلام در میان عرب رایج بوده است، اما به تدریج در میان ایرانیان نیز متداول گردید و بخصوص پادشاهان ایران (لااقل شاهان صفوی) از نام و کنیه یا هر دو، استفاده می‌کردند.

۴- **نسبت جغرافیایی:** هر آنچه نشان دهنده نسبت شخص با زادگاه، محل اقامت و یا منشأ خاندانی او باشد؛ مانند اصفهانی، دینوری... .

۵- **عنوان اداری و رسمی،** که مشخص‌ترین آن با ترکیب دو اسم پدید می‌آید: اولی وصفی و توصیفی مانند: رکن، شوکت، جلال و فخر، و اسم دوم نشان‌دهنده مقام یا کار اجتماعی یا مؤسسه‌ای است که دارنده عنوان، بدان وابسته است، مانند: جنگ، نویسندگی، تجارت، دین، اجتماع و دولت.

۶- **عنوان شغلی و حرفه‌ای:** این نوع نیز همانند القاب رسمی به گستردگی رایج بود و اغلب یک عنوان و لقب به چندین نفر اطلاق می‌شد و گاه در یک عهد و دوره در

انحصار یک فرد بود مانند «ملک الشعرا». گاه نیز نظیر جزء نام کامل صاحب عنوان می‌گردید، همانند: شیخ‌الاسلام، امام جمعه، طبیب، بزاز، متفقه، منجم، مستوفی ...

۷- **نسبت خاندانی، طایفه‌ای و نژادی:** عناوینی چون انصاری، علوی، حسینی، شاملو، صارم، شبانکاره ...

۸- **نسبت اعتقادی:** عناوینی چون: صوفی، حدیثی، معتزلی، امامی و ...

۹- **ویژگی‌های شخصیتی و جسمی:** هر آنچه به واسطه وجود مشخصه‌ای خوب یا بد در جسم و رفتار و بیان به کسی گفته می‌شد. مانند: اصم، کور، اوزون(دراز)، لنگ، کم سخن... (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۰: ۱۳۷).

بیشتر از هر چیزی که عناوین و القاب را مسجل و عینی می‌کرد مهرهایی بود که اشخاص بر اسناد و ورقه‌املاک خویش می‌زدند و این الصاق مهم‌ترین عنصر هویتی باقیمانده از دیوان‌سالاری ایران میانه است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

مهر عامل هویت بخش

اصولاً قبل از تشکیل دولت مدرن و ساماندهی اسناد هویتی، افراد شاخص، دولتمردان، روحانیون، تجار و شاهزادگان برای تأیید و تثبیت هویت واقعی خود از ضرب مهر اختصاصی استفاده می‌کردند، هر چند که در ابتدا بیشتر مهرها کارکرد احراز مالکیت داشتند ولی بعدها این عنصر با کارکردها و کاربردهای متعددی، رویه‌های حقوقی و قانونی به خود گرفت. تا جایی که مهر در ادوار اسلامی برای افراد جامعه از لوازم زندگی محسوب می‌شده و به منزله شناسنامه بوده است، و هیچ نوشته‌ای بدون مهر سندیت و اعتباری نداشته است.

تقریباً در تمامی اسناد مهر وجود دارد و نشانه هویت افراد در گذشته بوده است. مهرها از جهت مواد، اندازه، شکل، نوشته‌ها و روش افزودن یا الصاق به اسناد مورد بررسی قرار می‌گیرند. مهرها هم‌چنین نشانگر خاستگاه سند و قابلیت اعتبار آن است (دورانتی، ۱۳۸۸: ۸۴).

بدین ترتیب مهرها به عنوان عوامل هویت بخش و معرف، نقشی اساسی در تعیین و تثبیت هویت ساکنان ایران قبل از دولت مدرن ایفاء کردند و اصولاً طراحی و ساخت این عناصر هویت بخش (مهرها) کاملاً منطبق با ساحت کلی شخصیت صاحبان آنها بوده است، تا جایی که به سادگی می‌توان با دقت نظر و مطالعه دقیق محتوای سجع، نوع زبان سجع، تزئینات مهر، شکل قالب، خط، جنس و... به انبوهی از خصیصه‌های

هویتي اشخاص پي برد و به نوعي مي توان گفت مهرها جنبه هاي تفرد، تشخص و هويت محور افراد را نشان مي دهند.

ظهور دولت مدرن و تشکيلات سجل احوال کل مملکتی

الف) اندیشه ایجاد دیوان سالاری متمرکز و ثبت مؤلفه های هویتی ایرانیان

پیامد حاکمیت نیمه مستعمره بودن ایران در اوایل سده نوزده، باعث دگرگونی ساختاری شد که نقشی تعیین کننده ای در چگونگی نظام یابی دولت مدرن و تحولات بعدی آن داشت. وابستگی روزافزون مالی و نظامی دربار قاجار به دولت تزاری روس موجب استقلال هر چه بیشتر حکومت های محلی، تضعیف جایگاه راهبردی دیوان سالاری مرکزی و یکپارچه سازی میهنی گردید؛ نظام شبه دیوان سالار و ضعیف قاجار در حال نابودی بود و تمام تلاش های جامعه دیوان سالار که با امیرکبیر شروع شده بود، به صورت ناقص در انقلاب مشروطه به ثمر نشست (توفیق، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

عصر فترت پس از انقلاب مشروطه، اندیشه گران، اصلاح گران و تجددخواهان را به سمت و سوی تشکیل دولت متمرکز رهمنون ساخت که در سایه اقتدار خود بتواند اهداف دموکراتیک انقلاب مشروطه را که به محاق فراموشی سپرده شده بود، میسر و مقدر سازد. از بطن این جریان، کودتای ۱۲۹۹ هـ.ش، شکل گرفت که ثمره آن به قدرت رسیدن رضاخان و تشکیل دولت مطلقه مدرن پهلوی بود (زندیه، ۱۳۹۲: ۴۲۸).

در این روند، این نقش اساسی را ارتشی بازی می کرد که در پی کودتای اسفند ۱۲۹۹ هـ.ش، با توافق و کمک مالی و فنی انگلیس، حول بریگاد به فرماندهی رضاخان تشکیل شد. نظارت و تمرکز یکپارچه از لوازم اساسی دولت مقتدر شرقی بود و بی شک هیچ مانعی را در این راستا بر نمی تافت، و اهتمام اساسی برای ساماندهی نظامی جهت کنترل جمعیت جوان آماده به خدمت در ارتش شاهنشاهی و تهیه آماری از نفوس ساکن در کشور از اقدامات اساسی پیش روی سردمداران نظام بوروکراتیک نوین در ایران بود (زندیه، ۱۳۹۲: ۴۲۸). پیدایش دولت مدرن و مقتدر در سایه ارتش تازه نفس، همگام با نظارت متمرکز و یکپارچه منجر به بازشناسی جدیدی از هویت ایرانی گردید. از جمله این ساخت های مدرن اداره سجل احوال بود، که در این نوشتار سعی شده است که با دیدی تاریخی و سندشناسی به این مقوله و فرآورده نهایی آن (شناسنامه / سجل) پرداخته شود.

ب) پیدایش ثبت احوال در ایران**پیشینه و روند تصویب قانون سجل احوال و تشکیلات مربوطه در ایران:**

تا قبل از سال ۱۲۹۷ هـ.ش، ثبت وقایع حیاتی از جمله ولادت و وفات براساس اعتقادات مذهبی و سنت‌های رایج در کشور، با نگارش نام و تاریخ ولادت مولود در پشت جلد کتب مقدس از جمله قرآن مجید به عمل می‌آمد و از افراد متوفی نیز جز نام و تاریخ وفات آنان که بر روی سنگ قبر ایشان نگاشته می‌شد، اثری مشاهده نمی‌گردید، روند ایجاد تشکیلات ثبت هویت افراد در ایران ابتدا با تصویب سندی ۴۱ ماده‌ای بوسیله هیأت وزیران در ۲۰ آذر سال ۱۲۹۷ هـ.ش، انجام گرفت (ماحوزی، ۱۳۷۹: ۱۲)؛ به دنبال آن اداره سجل احوال ایران در وزارت داخله تأسیس گردید و بعد از ایجاد این اداره، اولین شناسنامه به شماره ۱ در بخش ۲ تهران در تاریخ ۳ دی ماه ۱۲۹۷ هـ.ش، به نام فاطمه ایرانی صادر گردید. حدود یک ماه بعد هیئت دولت به پیشنهاد نصرت‌الدوله (وزیر عدلیه وقت) تصویب‌نامه‌ای را از مجلس شورای ملی گذراند که از نیمه آذر ۱۲۹۸ هـ.ش، برای گرفتن تعرفه انتخابات، گذرنامه، جواز حمل اسلحه، اقامه دعوی و حواله پولی از اشخاص مطالبه سجل احوال شود (۱). ادامه کار احصائیه از فروردین ۱۳۰۱ هـ.ش، منتهی به گرفتن سجل احوال (اوراق هویت یا شناسنامه) گردید که زیر نظر اداره نظمی (شهربانی) و تنها در تهران انجام شد. گرفتن ورقه سجل احوال همچنان اختیاری بود و مراجعه‌کنندگان هنگام دریافت آن نام و نام خانوادگی هم برای خود انتخاب می‌کردند. از ۱۳۰۳ هـ.ش، به بعد اداره کل سجل احوال تابع وزارت کشور گردید؛ پس از این دوره اولین قانون ثبت احوال مشتمل بر ۳۵ ماده در ۱۴ خرداد سال ۱۳۰۴ هـ.ش، در مجلس شورای ملی وقت تصویب شد. (قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم، ۱۳۵۰: ۲۲۳ تا ۲۲۳) براساس این قانون مقرر گردید کلیه اتباع ایرانی در داخل و خارج از کشور باید دارای شناسنامه باشند و پس از تصویب قانون سربازگیری (نظام اجباری) هم برای فراخوانی سربازان از روش شناسنامه‌ها اقدام شد (صادقی، ۱۳۹۰: ۴). سیر مختصر قانون‌گذاری در خصوص ثبت احوال را این‌گونه می‌توان دسته‌بندی کرد:

- ۱- تهیه تصویب‌نامه ثبت احوال در سال ۱۲۹۷ هـ.ش، مشتمل بر ۴۱ ماده.
- ۲- تهیه و تصویب قانون سجل احوال در تاریخ ۱۴/۰۳/۱۳۰۴ هـ.ش، مشتمل بر ۴ فصل و ۳۵ ماده.
- ۳- تهیه و تصویب نظام‌نامه اداره کل احصائیه و ثبت احوال توسط هیئت وزیران در ۱۳۱۴/۱۱/۳۰ هـ.ش، مشتمل بر ۱۹۶ ماده و تعیین تشکیلات دفاتر و ادارات ثبت احوال در شهرستانها (۲).

- ۴- تصویب قانون اصلاح قانون ثبت احوال در اردیبهشت سال ۱۳۱۹ هـ.ش، مشتمل بر ۵ باب و ۵۵ ماده.
- ۵- تهیه و تصویب آئین‌نامه قانون ثبت احوال سال ۱۳۱۹ هـ.ش، مشتمل بر ۱۳۱ ماده.
- ۶- تهیه و تصویب قانون ثبت احوال در تیر ماه ۱۳۵۵ هـ.ش، مشتمل بر ۵۵ ماده و ۲۸ تبصره.
- ۷- اصلاح و بازنگری قانون ثبت احوال توسط مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ هـ.ش.
- ۸- تصویب آئین‌نامه طرز رسیدگی هیئت‌های حل اختلاف موضوع ماده ۳ قانون ثبت احوال.
- ۹- تصویب قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌ها مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۰ هـ.ش (زاهدی‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۲).
- عناوین سازمان ثبت احوال کشور از بدو تأسیس تاکنون بدین صورت است:
- ۱- اداره سجل احوال (۱۲۹۷/۷/۱ هـ.ش)، ۲- اداره احصائیه و سجل احوال کل مملکتی (۱۳۰۷ هـ.ش)، ۳- اداره کل آمار و ثبت احوال (۱۳۱۵ هـ.ش)، ۴- اداره کل ثبت احوال (۱۳۳۷ هـ.ش)، ۵- ثبت احوال کل کشور (۱۳۵۲ هـ.ش)، (صادقی، ۱۳۹۰: ۴).

کارکرد هویتی شناسنامه‌ها

کالبد فیزیکی و محتوای درونی شناسنامه‌ها حاوی علائم، نشانه‌ها و نمادهای ویژه‌ای هستند که برایندی از انواع هویت‌ها و زنجیره انساب شخصی، فردی، خونی، خاکی، اجتماعی، جامعه‌شناسی، دینی و فرهنگی می‌باشند:

۱- هویت دولتی: بر روی جلد دفترچه عنوان «جمهوری اسلامی» منعکس است. در همان برخورد نخست، بدون این که لای دفترچه را باز کنند و از نام و نشان صاحب مشخص می‌شود که صاحب شناسنامه «ایرانی» است و تابع نظام دولتی است، با سیستم جمهوری و بنیاد اسلامی، در کشوری به نام «ایران». این عنوان سه کلمه‌ای جنبه کلان دارد و ایرانیان را از ایرانیان مجزا می‌سازد و به آنان هویت ملتی - دولتی عام «ایرانی» می‌بخشد. در سطر دوم «سازمان ثبت احوال کشور» نوشته شده است که نشانگر یک نهاد دولتی کشور شمول می‌باشد. اگر عنوان «جمهوری اسلامی» که مبین قدرت قانونی و نشان نمادین حاکمیت ملت است، جنبه انتزاعی دارد، اصطلاح سیاسی «کشور» بیانگر پهنه‌ای از سرزمینی است که با مرزهای معین در بخش غربی آسیا قرار گرفته است. این

امر بدین معناست که اقتدار و مشروعیت دولت در اعتبار نفوذ «قلم» آن است و حد اعتبار آن را حدود کشور تعیین و تحدید می‌کند و فراتر از مرزهای شناخته شده دیگر اعتبار ندارد، مگر به‌طور قراردادی در سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های سیاسی زیر پرچم ایران (شیخوندی، ۱۳۸۰: ۱۴-۲۲).

خط و زبان فارسی، فشرده بر جلد شناسنامه، گویای فرهنگ عام و زبان و خط رسمی مرسوم در کشور ایران است. برخلاف گذرنامه هیچ اثری از زبان غیرفارسی در شناسنامه وجود ندارد که این امر نشان می‌دهد که کاربرد شناسنامه درون کشوری است و اعتباری در بیرون از کشور ندارد.

همه مردم ایران اعم از این‌که در کشور ایران زاده شده یا نشده باشند حق و وظیفه برابر دارند که از «شناسنامه» یک رنگ و یک اندازه، یا متحدالشکل برخوردار باشند. بنابراین، همه ایرانیان، اعم از خرد و کلان، پیر و جوان، زن و مرد، بیسواد و باسواد، مجرم و درستکار و... در داشتن شناسنامه اشتراک دارند.

دولتمردانی که سند «شناسنامه» را ابداع کرده‌اند، سند مشارکت در «دولت» و «اشتراک» در «کشور» را به دست همه کسانی دادند که شناسنامه ایرانی دارند، در بالای برگ پشت جلد دفترچه شناسنامه نماد «الله» قرار دارد که به صورت نوشتاری و گفتاری نشانگر هویت عام همه مسلمانان جهان است؛ و لی به صورت «رسمی» و گرافیک، «هالین» ویژه آرم، دینی - دولتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بدین‌سان در سرلوحه آغاز هویت هر ایرانی و دولت حاکم بر او «الله» خالق هویت تمام انسان‌ها، از آن جمله ایران و ایرانی است.

در سطر پنجم این جمله بس مهم چشمگیر و شایان توجه است: «شناسنامه سند هویت شماست، برای حفظ حقوق خود به دقت از آن نگهداری کنید».

به استناد این متن، دولت به‌عنوان عالی‌ترین اقتدار قانونی هویت فرد را کتباً تصدیق کرده، قبل از همه چیز «حقوق» دارندگان این «سند» را شناخته و فردیت و مسئولیت اعضای جامعه مدنی و جامعه ملتی را پذیرفته است.

دولت یا نمایندگان آن با امضای این سند، که گواهی هستی فردی و ایرانی صاحب آن است، احساس مسئولیت دارد و حافظ امنیت و حقوق او، از بدو زایش تا مرگ محسوب می‌شود. در همین برگ سه بعد اساسی مدنیت را در یک متن ده سطری برای همه ایرانیان، بدون کوچکترین تبعیضی بیان کرده‌اند و آنها عبارتند از ۱- حقوق ۲- قانون ۳- جرم.

در سطر ششم این تذکار مندرج است: «صدور شناسنامه مجدد محدودیت قانونی دارد». به معنای دیگر «قانون» صدور مجدد سند شناسنامه را حتی برای دولت و دولتیان، محول به شرایط خاصی کرده است.

پس از اشاره به حقوق و قانون، در سطر ۹ چنین آمده است: «هرگونه تغییر و تحریف شناسنامه یا سوءاستفاده از آن جرم است و مجرم تحت تعقیب قانونی قرار می‌گیرد». به معنای دیگر هویت چیزی نیست که بتوان خودسرانه آن را تغییر داد و یا در سند هویت اعطایی دولت بتوان به دلخواه خویش، دست برد. سند صادره از سوی دولت تنها به دست دولت تغییرپذیر است و فرد حق دخل و تصرف در سند هویت خود ندارد تا چه رسد دستبرد به سند هویت دیگران.

به‌رغم این تذکار اگر کسی چنین کند، یعنی کاری را که «حق» ندارد مرتکب شود و خلاف «قانون» عمل کند «مجرم» است و تحت تعقیب تعقیب قانونی قرار می‌گیرد. اگر با دقت به این سطور برگ پشت جلد «شناسنامه» توجه شود، مفاهیم مدنی و حقوقی و جزایی زیادی در آن نهفته است.

بالاخره در پای برگ مذکور «اثر انگشت سبابه دست راست» قرار دارد. این «اثر» اختصاصی‌ترین و انحصاری‌ترین هویت شخصی - ذاتی صاحب شناسنامه است. این اثر مبین یک هویت سرشتی است که افراد دیگری در تکوین این (مهر) انحصاری و یگانه دخالتی ندارند و داده «خلقت» است.

گرچه (دفترچه) شناسنامه شماره صفحه ندارد ولی مردم برگ بعد از پشت جلد را (صفحه اول) می‌نامند و مشخصات ظاهراً (فردی) را در آن می‌یابند. در این صفحه زیر (آرم) و (جمهوری اسلامی ایران) و (شناسنامه) عدد چند رقمی قرار دارد که به مثابه یک (کد) نشانگر شماره اولیه ثبت در دفاتر (اندیکاتور) می‌باشد و اصولاً جنبه انحصاری و اختصاصی دارنده (سند هویت) محسوب می‌شود. به معنای دیگر این ارقام می‌توانند شاخص «رمز» شناسایی فرد، در نبود نام و نام خانوادگی باشند.

در گوشه بالایی سمت چپ صفحه اول عکس دارنده شناسنامه الصاق شده است. این عکس هویت رخسارشناسی فرد را متجلی می‌کند. عکس هر شخص جنبه اختصاصی و انحصاری دارد ولی اگر با دیده کاوشگر به عکس اشخاص نگریسته شود، معلوم می‌شود که عکس، به علت تشابهات و برخی خصوصیات مشترک هویت جنسی، سنی، خویشاوندی، شغلی، فرهنگی و حتی ملکی فرد را نیز می‌تواند برملا سازد.

اثبات اهلیت فرد از حیث سن

امروزه برخورداری از بسیاری از حقوق اجتماعی و اقامه دعوی در محاکم قضائی محتاج به روشن بودن وضعیت فرد از حیث سن می باشد. به دیگر سخن اهلیت تمتع که با تولد فرد شروع می شود، با اهلیت سنی شخص کامل می گردد و مؤید این اهلیت سنی شخص، وجود شناسنامه است.

درواقع شناسنامه به صاحب خویش این امکان را می دهد تا با ارائه آن به مراجع دولتی و قضائی کبر سن خود را به اثبات برساند و بهره‌مندی خویش را از حقوقی که قانون‌گذار برای افراد کبیر مقرر نموده، مطالبه نماید. از جمله این امور مهم یکی شرکت در فرآیند انتخابات و برخورداری از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن است.

بدیهی است ورود در عرصه‌های دیگر اجتماع، از جمله استخدام در دوایر دولتی، دریافت گذرنامه، شرکت در کنکور و ادامه تحصیل، انجام خدمت نظام وظیفه، شرکت در مسابقات ملی و بین‌المللی، برخورداری از تأمین اجتماعی و... همه نیازمند دارا بودن این سند مهم (شناسنامه) است.

اثبات وضعیت و جایگاه حقوقی فرد

آدمی در عرصه زندگی اجتماعی و در بستر کنش و واکنش حیات جمعی در جامعه محتاج ترسیم حالات و واقعیت نقش خویش می باشد. انسان در پاره‌ای از مقاطع باید بتواند با تکیه بر مدرکی مستند و مستدل هویت خویش را به اثبات برساند؛ و برخورداری از حقوق مدنی در جامعه نیازمند اثبات وضعیت خویش می باشد.

شناسنامه به عنوان دلیل و سند رسمی

براساس ماده ۹۹۹ قانون مدنی، سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به ثبت احوال اعلام شده، سند رسمی محسوب می شود. این بیان قانون‌گذار در واقع نشان دهنده اهمیت این سند هویتی می باشد. با تصویب قانون ثبت احوال ۱۳۵۵ و متعاقباً در سال ۱۳۶۳ ماده ۸ قانون مذکور (۳) این رسمیت را نه تنها به اسناد سجلی بلکه به سایر مدارک هویتی صادره توسط سازمان ثبت احوال نیز تعمیم داد. لذا شناسنامه به عنوان یک سند رسمی می تواند نقش یک دلیل مستند را برای صاحب خویش در تعاملات روزمره ایفا نماید.

دامنه این تعاملات نیز می‌تواند از امور ساده اداری تا تعیین و تنظیم قراردادهای حقوقی و بر وضعیت احوال شخصیه کشور را شامل شود. بدیهی است وجود شناسنامه به‌عنوان یک سند رسمی این امکان را به صاحب خویش می‌دهد تا برای اشخاص ثالث که با وی رابطه حقوقی و اداری دارند، احوال شخصیه خود را مشخص نماید و از رهگذر این شناسائی و با اتکا به این سند رسمی به مقاصد خود دست یابند. در بحث مالکیت، عقود، تعهدات، بیع احراز اهلیت در معاملات و مواردی از این قبیل، شناسنامه نقش اساسی برای دارنده آن به‌عنوان دلیلی برخاسته از متن قانون می‌تواند ایفا نماید.

سندشناسی تفکیکی ساختار و محتوای شناسنامه‌ها در یک قرن اخیر

به‌طور کلی می‌توان سیر تغییرات شکلی و محتوایی، شناسنامه‌ها را از بدو پیدایش در ایران (سوم دیماه ۱۲۹۷ هـ.ش) تا کنون در ۷ دوره جداگانه و مستقل مورد مطالعه قرار داد:

- ۱- صدور شناسنامه‌های یک برگی (۱۲۹۷ هـ.ش) تا (۱۳۰۰ هـ.ش) صادره دایره نظمیۀ تهران
- ۲- صدور شناسنامه‌های یک برگی (۱۳۰۰ هـ.ش) تا (۱۳۰۷ هـ.ش) صادره اداره سجل احوال و بلدیۀ.
- ۳- صدور شناسنامه‌های دفترچہ‌ای شش برگی با تفکیک جنسیت (۱۳۰۷ هـ.ش) تا (۱۳۲۸ هـ.ش)
- ۴- صدور شناسنامه‌های دفترچہ‌ای چهار برگی شیر و خورشیدی (۱۳۲۸ هـ.ش) تا (۱۳۶۳ هـ.ش)
- ۵- صدور شناسنامه‌های یکبرگی اضطرار با آرم جمهوری اسلامی (۱۳۵۹ هـ.ش) تا (۱۳۶۳ هـ.ش)
- ۶- صدور شناسنامه‌های دفترچہ‌ای چهار برگی با کارت الحاقی ضرب مهر و آرم جمهوری اسلامی (۱۳۶۳ هـ.ش) تا (۱۳۸۹ هـ.ش)
- ۷- صدور شناسنامه‌های مکانیزه و رایانه‌ای (۱۳۸۹ هـ.ش)

سندشناسی تفکیکی انواع شناسنامه‌ها

۱- شناسنامه‌های یک برگی

۱-۱- شناسنامه‌های یک برگی (۱۲۹۷ هـ.ش) تا (۱۳۰۰ هـ.ش) صادره دایره نظمیۀ تهران: (۴)

این دسته از اسناد اولین خروجی اداره سجل احوال به شمار می‌آیند که برای اولین

بار (آذر ماه ۱۲۹۷ هـ ش) توسط مأموران بلدیۀ تهران (شهرداری) و از جانب نظمیۀ در بین مردم پایتخت توزیع شد. این نسل از شناسنامه‌ها که توسط دایرۀ نظمیۀ تهران صادر شد، بسیار ابتدائی بود. تمام متن سند شامل جمله‌ای بدین مضمون بود: «این ورقه از طرف کمیساریای ناحیه..... به آقای/ خانم..... که ساکن محله..... کوچه..... خانه نمرة..... است و سجد ولادت او در ظهر این ورقه تصریح شده است تسلیم گردید. طهران بتاریخ: امضای کمیسر پلیس:

این شناسنامه‌ها یک برگ بوده و بدین سبب آنها را ورقۀ هویت می‌نامیدند، این اوراق هویتی و ابتدائی فاقد اطلاعات ضروری و هویتی از صاحبانشان بودند و اصولاً الگوی طراحی ابتدائی آنها و جاهت قانونی و عرفی محکمی احراز نمی‌کرد؛ بدین ترتیب مسئولیت قانونی این امر (سجد احوال) در تاریخ یازدهم برج ثور ۱۳۰۰ هـ ش، از اداره تشکیلات نظمیۀ متزع و به اداره بلدیۀ واگذار شد (مجبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۵۸).

۱-۲- شناسنامه‌های یک برگی (۱۳۰۰ هـ ش) تا (۱۳۰۷ هـ ش) صادره اداره

سجد احوال و بلدیۀ (۵)

این شناسنامه‌ها نسبت به نسل قبلی آنها حاوی اطلاعات مبسوط‌تری بودند و در این گونه ورقۀ هویت خلاصۀ طلاق و ازدواج و محلی برای ثبت نام فرزندان و یا مرگ صاحب شناسنامه وجود نداشت و مهم‌تر این‌که از نظر وضعیت نظام وظیفه این شناسنامه‌ها معرف صاحب آن بود. شناسنامه به لحاظ این‌که با فرم از پیش طراحی شدۀ اداری تنظیم می‌شد و برگرفته از اسلوب اروپایی بود، لذا مأموران سجد احوال وقت با اختیار و سلیقۀ شخصی آن را تنظیم می‌کردند، بهمین سبب در آرشیوهای ثبت احوال، اوراق هویتی یک برگی را که با انواع خطوط تحریر (نسخ تحریری - تعلیق - نستعلیق و نستعلیق شکسته) تنظیم شده است می‌توان یافت. این مسئله خود گویای این مطلب است که به علت فقدان نظام یکپارچه آموزش و نظارت کارکنان (حداقل در بخش سجد احوال) اعمال سلیقه آنقدر زیاد بوده است که به اعتراف کارکنان این بخش که در مجلۀ بلدیۀ شماره ۱۰ سال ۱۳۳۹ منتشر شده است: «کار آنها به هیچ وجه صورت اداری نداشته است» و یا عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» این گونه می‌نویسد: «اجمالاً هر کس هر رطب و یابسی به دهندش می‌آمد به مأمور نظمیۀ می‌گفت و این مأمور هم هر چه دلش می‌خواست می‌نوشت و عجب‌تر این‌که وقتی ورقه سجد (شناسنامه) به دست صاحبش می‌رسید و می‌خواست غلط‌های شتری آن را ولو از حیث املاء اصلاح کند آقایان نظمیۀ چی‌ها راضی نمی‌شدند که غلط‌های ارتکابی خود

را هم تصحیح نمایند، چنان‌که در ورقه هویت پسر بزرگم صد سال اشتباه کرده بودند و بعدها آن را اشتباه خط و قلم خوردگی می‌دانستند...» (مستوفی، ۱۳۸۴: ۴۹۷).

نمادها و نشان‌های هویتی برجسته در این نسل شناسنامه‌ها

آرم شیر و خورشید: مهم‌ترین وجه اشتراک مشخصه ظاهری شناسنامه‌ها تا مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ وجود آرم شیر و خورشید است که به اشکال متنوعی روی این دسته از اسناد دیده می‌شود.

این نشان نماد هویتی مطرحی در دوران پهلوی بود و بر روی سند اکثر مکاتبات و مراسلات دولتی قرار داشت و بنوعی کارکرد هویتی باستان‌گرایانه و شاه‌پرستی را به دوش می‌کشید؛ در این نشان قرص خورشید و تشعشعات آن و تصویر پیکر شیر در ادوار کهن تاریخی به‌ویژه در منطقه بین‌النهرین نماد خدایان و شاهان باستانی و مظهر قدرت و توان و الوهیت است. در اساطیر بین‌النهرین، خورشید مظهر خدا «شمس» یا همان شمس و شیر نماد خدا «ایشتار» بود (بلک و گرین، ۱۳۸۳: ۲۲۳)؛ ایرانیان باستان نیز خورشید را مظهر عمر جاویدان و شکوه و جلال پادشاهی می‌دانستند. طبق برخی اوراق باقی مانده از اوستا، کالبد اهورامزدا همچون یک خورشید تصور شده است، این تصور در بحث معراج ارداویراف کاملاً مشهود است (ایران‌شهر، ۱۳۴۳: ۹۴۷).

شیر نیز پیوند نزدیکی با پادشاهان ایران داشته است (shahbazi, 2001: 18) برای نمونه، ردیفی از شیران که پنجه جلوی خود را بالا گرفته‌اند، زینت بخش پوشش و تخت جامه شاهان بوده است (Tilla, 1978: 46-57).

از قرن ششم قمری به بعد، نقش نمادین شیر و خورشید که بیان‌کننده و وضعیت خورشید (در برج اسد) در منطقه البروج می‌باشد، رواج یافت. اما تا زمانی که نقش شیر و خورشید به صورت نشان دولت‌ها درآید همچنان پرچم‌هایی با نقش ستاره رایج بود (shahbazi, 2001: 18).

در سال ۱۲۵۲ قمری که محمد شاه، برای اولین بار شکل و کارکرد انواع شیر و خورشید را رسماً تعیین کرد، شیر به صورت حیوانی شمشیر به دست با یک تاج، روی سکه‌ها و نشان‌ها درج شد (نفیسی، ۱۳۲۸: ۷۵).

مهرها: آنچه در این شناسنامه بیشتر از همه جلب توجه می‌کنند نقش مهرهای مختلفی بود که بر روی آنها زده شده است از جمله مهر قند و شکر، جیره‌بندی و سرشماری، این مهرها از دسته مهرهای حکومتی بوده و مهر شخص بر روی شناسنامه

ممنوع بوده است. تنها اثر اوراق شناسایی ابعاد مختلف این اثر است که شمه‌ایی از زندگی اجتماعی و اقتصادی هر فرد را در آن زمان نشان می‌دهد، این مهرها بیشتر فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اوایل سده بیستم ایران را نشان می‌دهد؛ فضای متشنج و قحطی زده بعد از جنگ جهانی اول، دولت اقتدار طلب پهلوی را وادار می‌کرد که با سهمیه‌بندی و نظارت متمرکز بر توزیع ارزاق و مدیریت مالی گسترده به سروسامان امور بپردازد. مهرهای توزیع ارزاق را معمولاً بر گوشه‌های شناسنامه‌های یک برگی یا پایین آنها می‌زدند. هجوم مهرهای ارزاق بر صفحه شناسنامه‌ها را معمولاً بعد از اجباری شدن صدور شناسنامه برای همگان در تاریخ ۱۳۰۶ هـ.ش، به وضوح می‌توان دید.

تمبر: اکثر این شناسنامه‌ها دارای تمبر سجل احوال ۱۱ دندانه‌ای می‌باشند؛ چون از سال ۱۲۹۷ هـ.ش، تا ۱۳۰۷ هـ.ش، اداره کل احصائیه و سجل احوال در وزارت داخله مستقر بود، و حقوق مأمورین آن از محل عواید صدور شناسنامه پرداخت می‌شد (هر شناسنامه ۱ ریال) در نتیجه مقدار زیادی شناسنامه‌های بی‌اصل و صوری صادر شد که بدون آن‌که در مقابل آنها اظهارنامه‌ای وجود داشته باشد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۵۸). البته در این دوره هنوز نمونه‌هایی از شناسنامه‌های بدون تمبر دیده می‌شود و الصاق تمبر بر روی اسناد دولتی با عنوان تمبر مالیه یا دولتی در ایران از اقدامات مهم امین‌الدوله در دوره قاجار بود که راه تقلبات را مسدود می‌کرد و دخل بی‌سر و صدایی برای دولت داشت (سپهر، ۱۳۸۶: ۹۰).

۱- شناسنامه‌های دفترچه‌ای دوران پهلوی

۲-۱- شناسنامه‌های دفترچه‌ای شش برگی با تفکیک جنسیت (۱۳۰۷ هـ.ش) تا

(۱۳۲۸ هـ.ش) (۶)

الف) مهم‌ترین شاخصه‌های هویتی این دسته از اسناد:

- بر روی تمام صفحات شناسنامه نمره هویت درج شده است و پایین تمام آنها هم محلی برای امضاء و مهر مأمور سجل احوال در نظر گرفته شده است.
- برای اولین بار محلی در شناسنامه برای الصاق عکس پیش‌بینی شده ولی قانون الصاق عکس منوط به فراهم شدن امکانات عکسبرداری در محل گردیده است.
- اصطلاحاً به این نوع شناسنامه چنان‌که در صفحه ۷ آن هم آمده «دفتر هویت» می‌گفتند.

برای اولین و آخرین بار در این دسته از شناسنامه‌ها علت مرگ صاحب شناسنامه

درج شده است که البته با آوردن لفظ (بمرض...) این نکته مهم روشن می گردد که غالب علل مرگ و میر در ایران در فاصله سال های ۱۳۰۷ هـ.ش، تا ۱۳۳۶ هـ.ش، امراض متعدد و ضعف جدی در امر پیشگیری و بهداشت بوده است.

- این شناسنامه ها کامل ترین قاموس هویتی به لحاظ تراکم و حجم اطلاعات نوشتاری یک ایرانی بودند که مشابه آن چه قبل و چه بعد از آن (غیر از شناسنامه های مکانیزه) هرگز طراحی نشد.

- برای اولین بار بحث شناسنامه های المثنی مطرح و محل مخصوصی در صفحه اول شناسنامه برای الصاق تمبر المثنی پیش بینی گردید.

- این نسل از شناسنامه ها حاوی صفحه ای (صفحه ۳) برای ضرب مهرهای اضطراری بود که با عنایت به رؤیت شناسنامه های متعددی از این دست؛ هیچ گاه به این صفحه توجه تخصصی و کاربردی نشده بود و اصولاً چه مأموران ارزاق و چه مأموران انتخابات مهر خود را بی محابا به هر قسمت سند می زدند و گویا تا این تاریخ هیچ دستورالعمل به خصوصی که بعدها شناسنامه های دفترچه ای بعد از انقلاب مشمول آن شدند در کار نبوده است.

- در این زمان با توجه به این که فقط مردان به خدمت وظیفه نرفتند شناسنامه ها به دو شکل تهیه گردیده شناسنامه برای ذکور با قسمت نظام وظیفه و شناسنامه برای اناث.

- اصطلاح زایچه که به جای ولادت به کار می رفت حذف گردید و به جای الصاق تمبر ثبت احوال از مهر اداره کل ثبت احوال استفاده گردید.

۲-۲- شناسنامه های دفترچه ای چهار برگی رنگی شیر و خورشیدی (۷) (۱۳۲۸)

هـ.ش) تا (۱۳۶۳ هـ.ش):

شکل کلی و مضامین این شناسنامه ها غیر از جزئیاتی که به آن اشاره می گردد شبیه نسل قبلی می باشد. با این حال تعداد برگ ها به ۴ برگ کاهش یافته است و شاخصه مهم این دسته از اوراق هویتی استفاده از عنصر تذهیب و رنگ می باشد که در قالب سبک های هنری اسلیمی و باستانی در برگ های شناسنامه دیده می شود؛ آرم شیر و خورشید در صفحه دوم و آخر شناسنامه و در شمشه ای بزرگ و زردرنگ با دوایر مارپیچ و متحدالمركز در زمینه گل های آبی آسمانی نقش بسته و در نگاه اول بازتاب خورشید درخشان در آسمان آبی را مجسم می کند؛ هم چنین عنوان «شناسنامه» در صفحه سوم داخل ترنجی عمودی و زردرنگ که از هنر کتاب نگاری دوره تیموریان الهام گرفته، نگاشته شده است. کاغذ بکار رفته از نوع کاغذ واتر مارک وارداتی (آب

نشان) و کیفیت جلد به مراتب بهتر شده است؛ در ضمن ابعاد آن نسبت به نسل قبلی شناسنامه‌ها بزرگتر (۱۰×۱۳ سانتیمتر) می‌باشد.

در این دوره عنوان وزارت داخله در شناسنامه و روی جلد به وزارت کشور تغییر یافته و صدور این نوع شناسنامه‌ها تا سال ۱۳۶۳ هـ.ش، به‌طور یکنواخت ادامه داشت لذا از این جهت بین ذکور و اناث (مرد و زن) فرقی نبوده است. این دسته از شناسنامه‌های دفترچه‌ای بعد از این که در سال ۱۳۳۶ هـ.ش، اداره کل ثبت احوال از اداره کل آمار و ثبت احوال جدا شد و به‌صورت اداره کل مستقلی تحت معاونت وزارت کشور درآمد به‌صورت هماهنگ صادر می‌گردید، از طرفی برای اولین بار تمبرهای مستقل ثبت احوال بر یکی از گوشه‌های صفحه اول شناسنامه‌ها زده شد. و به جای نمره هویت از شماره شناسایی استفاده گردید؛ هم‌چنین الصاق عکس اجباری گردید، و در صفحه آخر شناسنامه فضایی مستقل برای توضیح تغییرات مضمون در سند پیش‌بینی گردید و قسمت وفات به مرگ تغییر عنوان داد؛ در ضمن واژه دهستان به محل مرگ صاحب سند اضافه شد و به جای «شعبه یا دائره» عنوان «حوزه» در پایین صفحات ظاهر گردید. برای مضمولین نظام وظیفه، در صفحه داخلی جلد زیرین شناسنامه صفحه مخصوص نظام وظیفه برای مردان طراحی گردید که مواردی چون: سواد و معلومات، اطلاعات فنی و تخصصی، وضعیت مزاجی، وضعیت خانوادگی، شغل، محل سکنی، تاریخ معافیت، علت معافیت، نوع معافیت (دائم/ موقت)، تاریخ معافیت و تاریخ ترخیص باید تکمیل شده و توسط قاضی حوزه تأیید می‌گردید.

۲- شناسنامه‌های صادره بعد از انقلاب اسلامی

الف) شناسنامه‌های یکبرگی اضطراری با آرم جمهوری اسلامی

به دنبال تغییر حکومت در ایران و دگرگونی ساختارهای اداری نوعی شناسنامه یک برگی صادر شد که بیشتر جوابگوی اضطرار و فوریتی بود که شرایط آن وقت پیش آورده بود. این شناسنامه‌ها حالت فراگیری پیدا نکردند و در بیشتر مناطق کشور هنوز از شناسنامه‌های دوران پهلوی استفاده می‌شد، با اینحال گروه زیادی از مردم مخصوصاً در شهرها، از این شناسنامه‌ها استفاده کردند و تا دیماه ۱۳۶۳ که قانون جامع تغییرات شناسنامه و اسناد هویتی به تصویب مجلس رسید، شناسنامه‌های یکبرگی دست مردم بود؛ و مهم‌ترین مشخصه این نسل از شناسنامه‌ها وجود آرم «جمهوری اسلامی» در آنها بود، که برای اولین بار در شناسنامه‌ها ظاهر گردید.

ب) شناسنامه‌های دفترچه‌ای چهار برگی با کارت الحاقی ضرب مهر و آرم جمهوری اسلامی (۱۳۶۳ هـ.ش) تا (۱۳۸۹ هـ.ش)

شناسنامه‌هایی که زیربنای کالبد شکلی و محتوایی آنها به ماده ۲۶ قانون مصوب روز سه شنبه هیجدهم دی ماه یک هزار سیصد و شصت و سه؛ مجلس شورای اسلامی بر می‌گردد، قانونی که مشتمل بر چهارده ماده بود و در تاریخ ۲۴/۱۰/۱۳۶۳ هـ.ش، به تأیید شورای نگهبان رسید (مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۳: جلسه ۱۷۵)؛ قانون مذکور به صراحت تمام رأی به ابطال صور ظاهری و باطنی اسناد هویتی قبل از انقلاب داد و در این راستا به سازمان ثبت احوال کل کشور مأموریت داد که ظرف یکسال نسبت به صدور اسناد هویتی مطروحه و هماهنگ با چارچوب‌های حاکم اقدام نماید (ماحوزی، ۱۳۷۹: ۲۸۲) لذا نسل جدید شناسنامه‌های بعد از انقلاب با تغییرات شگرفی (ساختار و محتوا) پا به عرصه وجود نهاد.

نمادها و نشانه‌های هویتی برجسته در این نسل از شناسنامه‌ها

۱- مهرها: تعدد مهرها در این نوع شناسنامه از نسل‌های قبلی بیشتر و از طرفی ساماندهی ضرب آنها نیز به مراتب اصولی‌تر است. شناسنامه با عنایت به داشتن صفحات ویژه انتخابات و ضرب مهرهای اضطراری و نص صریح قانون ضرب مهرهای مشروع، همراه با بند سوم تذکراتی که روی این صفحه درج گردیده است از نظم و سامان بهتری برخوردار گردیده و نوع مهرها هم در این نسل از شناسنامه‌ها، برخلاف نسل‌های قبلی در کلیه شناسنامه‌های این دوره شبیه همدیگر است. غیر از مهر اداره ثبت احوال صادر کننده که معمولاً بر صفحه اول تمامی شناسنامه‌ها دیده می‌شود، بیشتر مهرهای صفحه ضرب مهرهای اضطراری شامل مهر توزیع کالا برگ در مراحل چندگانه، مهر طرح جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی خانوارها و گاهی موارد مهر سرشماری عمومی هم وجود دارد. مهرهای انتخابات هم (مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، شورای شهر و روستاها، خبرگان رهبری) بر صفحه انتخابات نقش بسته‌اند.

۲- نشان (آرم): تنها آرمی که در این نسل از شناسنامه‌ها وجود دارد آرم جمهوری اسلامی است که به دنبال تغییر حکومت و با تصویب قانون جامع هیجدهم دیماه سال ۱۳۶۳ هـ.ش، بر جلد و صفحه اول این شناسنامه‌ها زده شد، طوری که آرم روی جلد شناسنامه حک گردیده است (مشروح مذاکرات مجلس: ۱۳۶۳-جلسه ۷۵). آرم مورد نظر از چهار هلال و یک شمشیر تشکیل شده است که چهار هلال به جای کلمه‌الله نشسته‌اند. پنج جزء این نشان نمادی از اصول پنج‌گانه مذهب تشیع است. بالای شمشیر حرکت تشدید آمده است که در زبان عربی و فارسی نمایانگر تکرار یک حرف می‌باشد. به یاد

کسانی که در راه میهن جانشان را فدا کرده‌اند؛ نشان به گونه‌ای انتخاب شده است که به لاله شباهت داشته باشد. رویدن لاله سرخ بر مزار سرباز میهن که جانش را در راه پاسداری از میهن فدا کرده است، عقیده‌ای کهن نزد ایرانیان است و به اسطوره‌شناسی ایران باز می‌گردد. پنج جزء تشکیل دهنده علامت که به پنج اصل پایه دین برمی‌گردد و اصل توحید را در حکم عمود و ساقه اصلی در میان دارند، گذشته از آن‌که در ترکیب کلی خویش کلمه الله را بیان می‌کنند و عصاره‌ای از کلمه توحید یعنی لاله الاله را نیز در خود مستتر دارند. جزء قائم میانی، در ترکیب با شکل تشدید که در خط فارسی و عربی نشانه شدت است شمشیر را تداعی می‌کند، قائم و ایستاده که خود نماد و قدرت و استحکام و ایستادگی است و این برداشتی تعبیری از کلمه حدید یا آهن است در قرآن (انزلنا الحدید فیه باس شدید) (ندیمی، ۱۳۸۶: ۶۲).

۳- اثر انگشت: برای اولین بار با تصویب قانونی مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه روز سه‌شنبه بیست و هفتم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شصت و دو مجلس شورای اسلامی دولت مکلف گردید همزمان با اجراء طرح تجدید شناسنامه‌ها از کلیه متقاضیان شناسنامه‌های جدید انگشت‌نگاری نموده و کارت مربوطه را در بایگانی اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌المللی ضبط و اثر انگشت و کلاسه مربوطه را در شناسنامه در محلی که مشخص می‌شود، درج نماید. وزارت کشور و وزارت دادگستری مکلف شدند ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین‌نامه اجرایی آن را تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران به مورد اجراء بگذارند؛ بعد از تصویب قانون مذکور اثر انگشت سیبانه دست راست صاحبان شناسنامه که به سن قانونی رسیده بودند، بر قسمتی که در صفحه اول شناسنامه برای این امر منظور شده بود، درج گردید (مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۶۲: جلسه ۴۶۶).

این نسل از شناسنامه‌ها دارای خصوصیات منحصر به فردی می‌باشند که ذکر آنها ضروریست:

- آرم جمهوری اسلامی به جای آرم شیر و خورشید در شناسنامه جای گرفت.
- در نوع خود نسبت به نسل‌های پیشین سندی جامع، یکپارچه و سازمان یافته است.
- شماره شناسنامه به جای شماره شناسایی بر بالای صفحه اول نقش بست.
- ذکر سیادت در اسناد سجلی ساداتی که سیادت آنان در اسناد سجلی پدر و یا جد پدری مندرج باشد و یا سیادت آنان به دلائل شرعی ثابت گردد، الزامی است مگر کسانی که خود را سید ندانند و یا عدم سیادت آنان شرعاً احراز شود.

- درج تاریخ هجری قمری همراه تاریخ شمسی، برای تاریخ ولادت صاحب شناسنامه برای اولین بار الزامی شد.
- محل مخصوص انگشت‌نگاری و شماره کلاسمان برای صاحب شناسنامه منظور گردید.
- نام و نام‌خانوادگی ابوبن همراه با شماره شناسنامه و تاریخ تولد و محل تنظیم اسناد آنها در شناسنامه نوزاد درج گردید.
- برای هر شناسنامه شماره مسلسل و سری مخصوص شناسنامه در نظر گرفته و بر تمامی صفحات شناسنامه درج گردید.
- صفحه مخصوصی برای ثبت مهرهای انتخابات در نظر گرفته شد؛ ضمناً کارت الحاقی ویژه‌ای برای ضرب مهرهای اضطراری به صفحه آخر شناسنامه الحاق گردید.
- در قانون جامع ۱۳۶۳ هـ.ش، تصریح شد که شناسنامه اولیه باید در سی سالگی تمام با عکس همان سال صاحب آن تجدید شود (ماحوزی، ۱۳۷۹: ۲۸۲).
- کالبد فیزیکی شناسنامه با کیفیت ممتازی طراحی گردید؛ از جمله: بهره‌گیری از کاغذ مخصوص واتر مارک (آب نشان) در جه یک، جلد پلاستیکی رنگی و مقاوم (نسبت به نسل‌های قبلی) و کارت مقوایی رنگی برای ضرب مهرهای اضطراری.
- استفاده از تذهیب اسلیمی و ختایی سفید برای زمینه تمامی صفحات شناسنامه.
- مواد درونی و محتوایی آن با تغییر واژگانی همچون وفات بجای مرگ یا فوت و حذف واژگانی چون: قصبه، نمره خانه و کوچه عوض شد.
- حذف صفحه مشخصات مشمولین سربازی و معافیت نظام وظیفه در این نسل از شناسنامه‌ها
- حذف جایگاه الصاق هر نوع تمبری در شناسنامه.

ج) شناسنامه‌های مکانیزه و رایانه‌ای

- این نسل از شناسنامه‌ها به دو صورت، برای نوزاد و بزرگسال (۱۵ سال به بالا) طراحی شده‌اند. شناسنامه نوزاد دو برگی با جلد سبز رنگ و شناسنامه بزرگسال ۴ برگی با جلد قهوه‌ای می‌باشد.
- شناسنامه‌های جدید دارای قطع گذرنامه‌ای، چاپ اختصاصی برجسته، کاغذ پیشرفته واتر مارک تولید بانک مرکزی، زمینه و هولوگرام حفاظتی، عکس اسکن شده، شماره ملی، بارکد شماره ملی، سری و سریال پانچ شده همراه با صفحه مهرهای ضروری پرس شده هستند.
- کاربرد وافر نمادهای هویتی (هنر تذهیب و معماری، نمادهای نجومی)، چاپ

دیجیتالی عکس و تایپ اسامی، امکان اتصال به سیستم‌های فراگیر الکترونیکی، بالا بودن ضریب امنیتی، تولید کاغذ بسیار مرغوب با داشتن عمر بالا، قابلیت‌های امنیتی بالا، و عدم امکان جعل و آسیب‌پذیری از خصوصیات آخرین نسل شناسنامه‌ها در ایران می‌باشد که هیچ یک از نسل‌های پیشین از این خصایص ممتاز برخوردار نبودند.

نتیجه‌گیری

به‌طورکلی در بررسی‌های تاریخی و سندشناسی از دوره‌های صدور شناسنامه شاهد ۷ نسل شناسنامه یا اوراق هویت در ۳ دوره مشخص تاریخی می‌باشیم و در بررسی تفکیکی جامع سندشناسی که از هر کدام از دوره‌های صدور شناسنامه به عمل آمد نتایج زیر دست داد که به‌صورت اجمال بیان می‌شود:

- فترت بعد از مشروطه همراه با نیازها و الزامات دولت مقتدر و مدرن جهت نوسازی، یکپارچه‌سازی و تکوین هویت ملی منجر به سازماندهی اسناد هویتی گردید.
- دولت پهلوی با تکیه بر گفتمان مدرنیسم پهلوی و با تأکید بر مضامینی چون توسعه و نوسازی به شیوه اروپائی، ناسیونالیسم ایرانی، باستان‌گرایی و شاه‌پرستی، مدرنیسم فرهنگی، عقلانیت مدرنیستی، سکولاریسم، در پی تأسیس هویت فراگیر، خلق وفاداری ملی، تثبیت هویت ملی و تمرکز تصمیم‌گیری ملی در ایران بود و اولین مرحله و به تعبیری مهم‌ترین مرحله این پروسه را در تثبیت و تعریف هویت یکپارچه و ملی برنهاد.
- ازجمله کارویژه‌های مهم هویت ملی علاوه بر ایجاد انسجام و همبستگی آحاد جامعه، جهت‌دهی و تعیین مسیر و هدف افراد جامعه است. نظام سیاسی جوامع امروزی، معمولاً با تکیه بر هویت ملی، نظام ارزشی مورد نظر خود را با آموزش و تبلیغ از طریق سازوکارهای جمعی و تشکیلات ویژه‌ای چون ثبت هویت جمعی و ملی همچون ثبت احوال و خروجی آن (شناسنامه)، به افراد جامعه القا می‌کند و بر پایه هویت ملی، افراد و گروه‌های پراکنده اجتماعی را به سوی هدف مشترک، متحد و منسجم ساخته و جهت می‌دهد.

- سجل یا ورقه هویت اولین و مهم‌ترین خروجی تشکیلات سجل احوال بود.
- مهم‌ترین نقش شناسنامه در طول یکصد سال گذشته کارکرد هویتی بر مبنای فاکتورها و شاخصه‌های معین هر دوره بوده است.
- تغییرات محتوایی و درونی شناسنامه به‌عنوان یک سند آرشیوی ارتباط مستقیمی با گفتمان حاکم برآمده از دل نظام دیوان‌سالار دولتی دارد.

- تغییرات کالبدی و فیزیکی اسناد هویتی تابع تحول و تکوین بوروکراسی نوین و اتوماسیون اداری پیشرو و متغیر بوده است.
- به‌طور کلی در سازماندهی اسناد هویتی به‌ویژه شناسنامه‌ها نقش سلائق و علایق نیروی انسانی در تنظیم، تکمیل و طراحی آنها در طول عمر این سند رو به کاهش؛ و نقش دستورالعمل‌های فراگیر و یکپارچه‌سازی سازمانی رو به افزایش بوده است.
- تطور کلی در سیر تغییرات فیزیکی شناسنامه‌ها از یک برگی به چند برگی و از ساده به پیچیده بوده است.
- ضعف نظارتی، نبود نظام یکپارچه اتوماسیون و نبود دستورالعملی صریح و گویا در تنظیم شناسنامه‌ها تا نسل سوم و تا حدودی چهارم منجر به ایجاد انبوهی از خطاها و تعارضات در اسناد هویتی گردید که در متن تحقیق به آنها پرداخته شد.
- نوع تاریخ انحصاری به کار گرفته (ه‌ش)، نشان دولتی شیر و خورشید، ازدیاد اسامی باستانی، تمبر مالیه شاهنشاهی و صفحه مخصوص نظام وظیفه از جمله عناصر و شاخصه‌های مرتبط و مخصوص دوره پهلوی بودند که از طریق ابزارهای حقوقی و فرهنگی حکومت، جهت هویت‌سازی ملی و مدرن بر صفحات تمامی شناسنامه‌ها تا نسل چهارم ظاهر شدند.
- نشان جمهوری اسلامی، استفاده از تاریخ هجری قمری همراه با هجری شمسی، ذکر سیادت، ازدیاد اسامی دینی، الصاق عکس‌های محجبه و رسمی از مؤلفه‌های هویتی دینی دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هستند که در شناسنامه‌های این دوره خودنمایی می‌کنند.
- محل مخصوص انگشت‌نگاری، شماره شناسنامه، نام نام‌خانوادگی ابوبن، سری و سریال مخصوص شناسنامه از مهم‌ترین عناصر محتوایی و فنی شناسنامه‌های نسل پنجم و متعلق به دوره بعد از انقلاب اسلامی در ایران می‌باشند.
- چاپ دیجیتالی عکس و تایپ اسامی، امکان اتصال به سیستم‌های فراگیر الکترونیکی، بالا بودن ضریب امنیتی، تولید کاغذ به‌صورت یکپارچه در بانک مرکزی با داشتن عمر بالا، قابلیت‌های امنیتی، و عدم امکان جعل و آسیب‌پذیری از خصوصیات آخرین نسل شناسنامه‌ها در ایران می‌باشد که هیچ یک از نسل‌های پیشین از این خصایص ممتاز برخوردار نبودند.

یادداشت‌ها

- ۱- ر.ک: سند شماره ۱ در بخش ضمیمه.
- ۲- ر.ک: سند شماره ۲ در بخش ضمیمه.
- ۳- ماده ۸ قانون ثبت احوال: دفتر ثبت کل وقایع و وفات و شناسنامه و گواهی ولادت و اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها و دفتر ثبت کل وقایع و نام‌خانوادگی از اسناد رسمی است و تا زمانی که به موجب تصمیم هیئت حل اختلاف یا رأی دادگاه برحسب مورد تصحیح یا ابطال نشده، به قوت خود باقی است.
- ۴- ر.ک: تصویر شماره ۱ بخش پیوست‌ها.
- ۵- ر.ک: تصویر شماره ۲ بخش پیوست‌ها.
- ۶- ر.ک: تصویر شماره ۳ بخش پیوست‌ها.
- ۷- ر.ک: تصویر شماره ۴ بخش پیوست‌ها.

منابع

- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴): *تبارشناسی هویت جدید ایرانی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بلدیة تهران، مجله بلدیة (ذیحجه ۱۳۳۹)، «سجل احوال» سال اول، ش ۱۰، صص ۲۳-۳۰.
- بلک، جرمی؛ گرین، آنتونی (۱۳۸۳): *فرهنگنامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان*، ترجمه پیمان. تهران: امیرکبیر.
- بیانی، مهدی (۱۳۴۹): *کتابشناسی کتاب‌های خطی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- توفیق، ابراهیم (۱۳۸۵): «مدرنیسم و شبه پاتریمونالیسم و تحلیلی از دولت در عصر پهلوی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، ش ۱، صص ۹۳-۱۲۵.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۴۳): *ایران‌شهر*، تهران: دانشگاه تهران.
- دورانتی، لوچیانا (۱۳۸۸): *سندشناسی*، ترجمه مریم وتر، گنجینه اسناد، س ۱۹، زمستان ۱۳۸۸، صص ۸۴-۱۱۰.
- رحیمی، سوسن (۱۳۸۳): «مهر در قباله‌های ازدواج دوره قاجار»، *کتاب ماه هنر*، س ۸، ش ۷۱، صص ۹۱-۱۱۰.
- زاهدی‌نیا، علی (۱۳۸۱): *آشنایی با هیئت‌های حل اختلاف در ادارات ثبت احوال*، تهران: بارتاوا.
- زندیه، حسن (۱۳۹۲): *تحولات نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سپهر، عبدالجسین خان (۱۳۸۶): *مرآت الوقایع مظفری*، تهران: میراث مکتوب.
- شیخ‌الحکمانی، عمادالدین (۱۳۸۰): «قاضیان و کاتبان اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، *نامه بهارستان*، س ۲، ش ۲، صص ۱۳۷-۱۵۲.
- شیبخواندی، داور (۱۳۸۰): *تکوین و تنفیذ هویت ایرانی*، تهران: نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰): *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- ماحوزی، علیرضا (۱۳۷۹): *مجموعه قوانین و مقررات ثبت احوال و قوانین مرتبط با آن*، تهران: انتشارات سازمان ثبت احوال.
- مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانونگذاری (۱۳۵۰): از ۲۲ دلو تا ۲۱ بهمن ۱۳۰۴، تهران: اداره کل قوانین مجلس شورای ملی.

- مجموعه مشروح مذاکرات ۲۴ دوره مجلس شورای ملی و مشروح مذاکرات دوره‌های ۱ تا ۷ مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱): *مذاکرات مربوط به سجل احوال و ثبت احوال*، تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (CD).
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۶): *تاریخ مؤسسات تمدنی در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴): *شرح زندگانی من*، جلد ۳، تهران: زوار.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۳): *داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع*، تهران: پژوهش فرزانه روز.
- ----- (۱۳۷۳): *هویت ایرانی و زبان فارسی*، تهران: باغ آینه
- ندیمی، حمید (۱۳۸۶): «داستان این پرچم»، *ماهنامه سپیده دانایی*، س ۲، ش ۱۰، ص ۳۳.
- نفیسی، سعید (۱۳۲۸): *درفش ایران و شیر و خورشید*، تهران: بی‌نا.

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، *اولین بخشنامه لزوم اجرای قانون سجل احوال*، شماره سند ۱۲۴۷/۲۴۰، شناسه بازیابی ۷۴۲۱/۱/۳۱.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی، *بخشنامه تغییر نام سجل احوال به ثبت احوال*، شماره سند ۴۸۷۸/۲۹۷، شناسه بازیابی ۲۹۷۰۰۴۸۷۸.

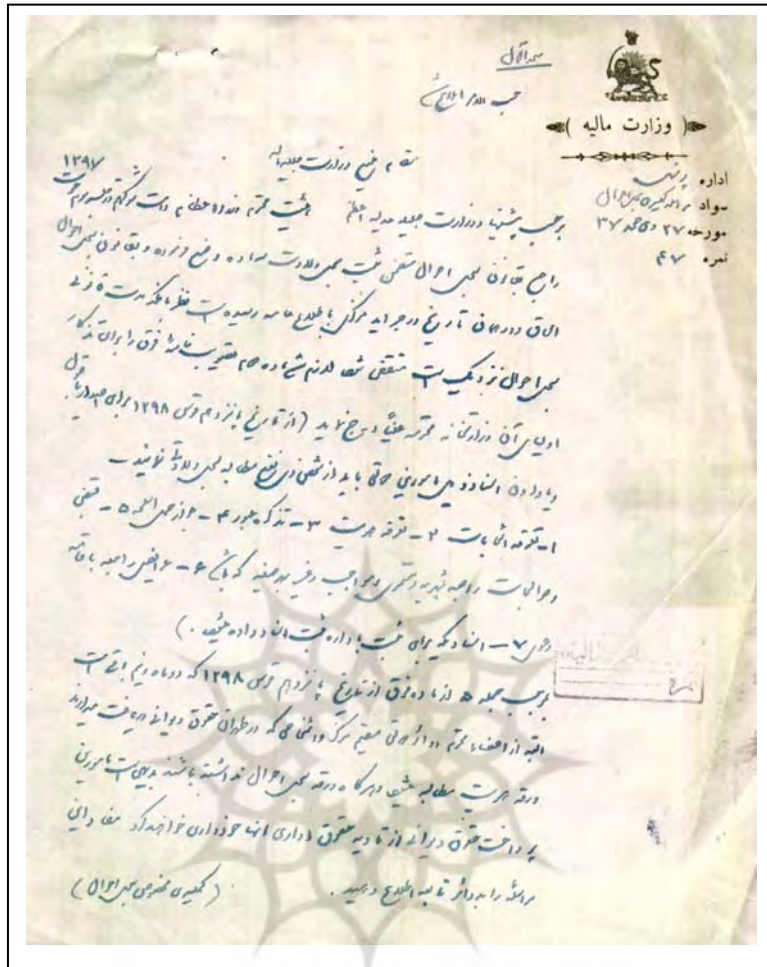
منابع انگلیسی

- Shabazi shapor, A. (2001); *Encyclopaedia Iranica*, ed.E.Yarshater, Vol 7, Costa; mazdapublisher.
- Tilla, B. (1978); *Studies and Restorations and perspolis and other sites pf Fars*.
- Yarshater, Ehsahn (1985); "Routledge and Kegan Paul", *Encyclopedia Iranica*, London and NewYork, Vol 1.



پیوست‌ها

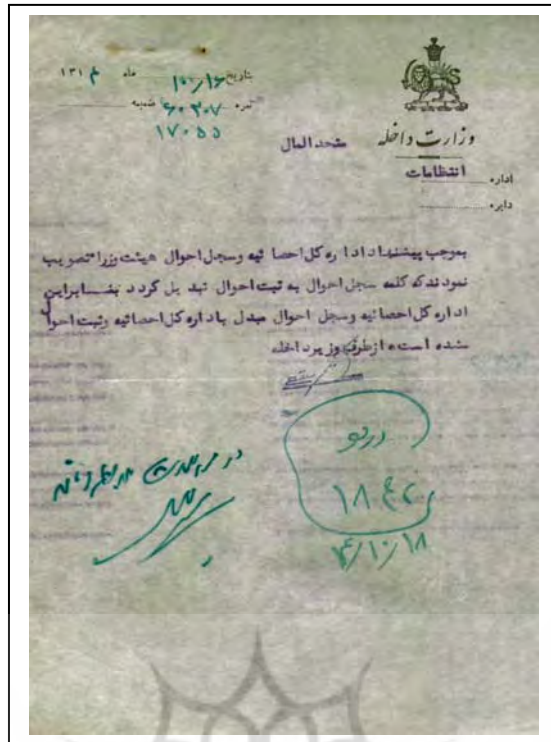
۱- سند ابلاغ اولین تصویب نامه مجلس شورای ملی (۱۲۹۸ هـ.ش) توسط وزارت مالیه جهت لزوم اجرای قانون سبج احوال و الزام ارائه مدارک سجلی برای گرفتن جواز، حمل اسلحه، حواله پول^۱



۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، اولین بخشنامه لزوم اجرای قانون سبج احوال، شماره سند ۱۲۴۷/۲۴۰، شناسه

بازیابی ۷۴۲۱/۱/۳۱.

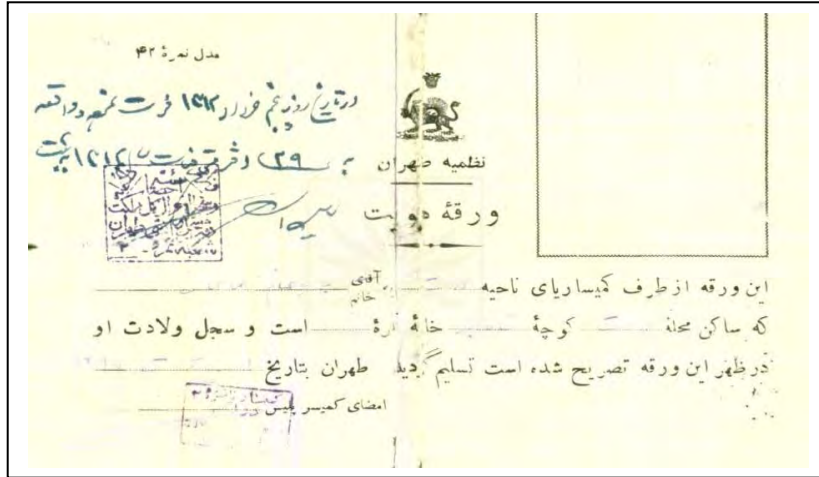
۲- سند تغییر نام اداره کل احصائیه و سجل احوال به اداره کل احصائیه و ثبت احوال^۱



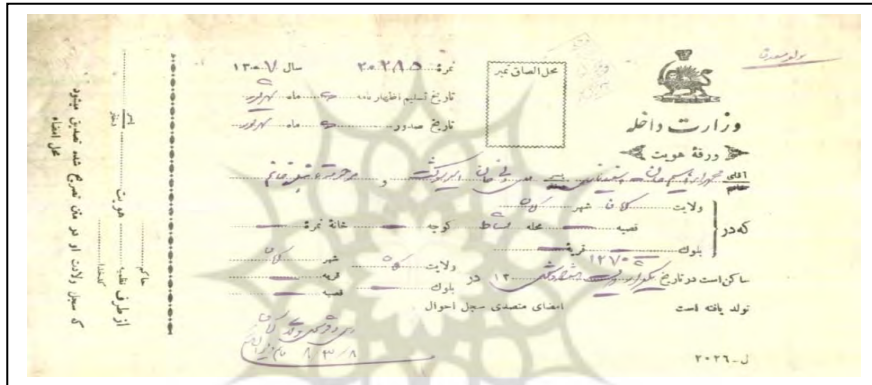
۱. مرکز اسناد و کتابخانه ملی، بخشنامه تغییر نام سجل احوال به ثبت احوال، شماره سند ۴۸۷۸/۲۹۷، شناسه

بازیابی ۲۹۷۰۰۴۸۷۸.

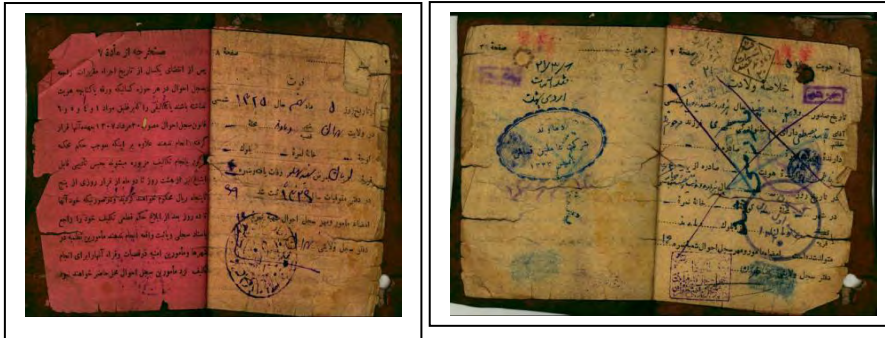
تصویر شماره ۱: نسل اول شناسنامه‌ها: (شناسنامه‌های یک برگی صادره اداره نظمیّه)



تصویر شماره ۲: نسل دوم شناسنامه‌ها (شناسنامه‌های یک برگی صادره وزارت داخله)



تصویر شماره ۳: نسل سوم شناسنامه‌ها (شناسنامه‌های دفترچه‌ای شش برگی با تفکیک جنسیت)



تصویر شماره ۴: نسل چهارم شناسنامه‌ها (شناسنامه‌های دفترچه‌ای شیر و خورشیدی)

